

# جنگ سرد جدید



ساناز صفری

ساکاشویلی رییس جمهور غرب‌گرای گرجستان داشت، پیام‌هایی نیز برای سران آمریکا و اتحادیه اروپا داشت. موضوع دیگری که نمی‌توان در بررسی این جنگ آن را ندیده گرفت، اقدام چندی پیش آمریکا و کشورهای غربی در حمایت از استقلال منطقه جدایی‌طلب کوزوو از صربستان علی‌رغم مخالفت شدید روسیه است. در واقع این جنگ به نوعی با تمام معادلات روسیه و غرب در طی سال‌های گذشته و رفتاری که جامعه بین‌المللی با این کشور بعد از سقوط اتحاد جماهیر شوروی داشته است در ارتباط است. با در نظر گرفتن چنین شرایطی باید بگوییم این درگیری اولین نمایش قدرت نظامی روسیه برای درهم شکستن یکی از کشورهای اتحاد جماهیر شوروی سابق است که ممکن است در آینده نه چندان دور نیز شاهد آغاز دور جدیدی از این درگیری‌ها حتی با همسایگان این کشور باشیم که بدون توجه به نگرانی‌های مسکو سبب گسترش غرب و مخصوصاً سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) به حیطا خلوت روسیه شده‌اند. در چنین شرایطی به نظر می‌رسد که اروپا و آمریکا نمی‌دانند چگونه خود را با بازی جدید ژئوپلیتیکی منطبق کنند که دو دهه دستاوردهای دموکرات‌های شورایی را که زمانی در محدوده اتحاد جماهیر شوروی قرار داشته‌اند، تهدید می‌کند.

## روزهای نادیده گرفتن روسیه سپری شده است

«روس‌ها احساس می‌کردند که جهان در ۲۰ سال گذشته همچون زباله با آنها رفتار کرده و آنها اکنون به قدرت بازگشته‌اند». این جملات بخشی از اظهارات «جرج فریدمان» یکی از تحلیل‌گران جغرافیای سیاسی است. با آغاز درگیری‌های خونینی که از ۸ اگوست بین ارتش روسیه و ارتش گرجستان در منطقه جدایی‌طلب اوستیای

دور جدیدی از جنگ سرد بین روسیه و غرب باشد؟  
**یک جنگ و یک دنیا بهانه**  
جنگ اخیر روسیه و گرجستان در منطقه قفقاز را می‌توان از زوایای گوناگونی مورد تجزیه و تحلیل قرار داد. اشتباه است اگر این جنگ را محدود به دو طرف مسکو و تفلیس کنیم. باید از زوایه گسترده‌تری به بررسی این جنگ پرداخت و آن را از دریچه روسیه و غرب نیز نگریست. اشتباه است اگر بگوییم که روسیه فقط برای حمایت از شهروندان خود در استان جدایی‌طلب اوستیای جنوبی وارد جنگ شد و نقش انرژی را نادیده بگیریم. در همین حال اگر نگرانی‌های روسیه از گسترش مرزهای ناتو و موضوع استقرار سپر دفاع موشکی آمریکا را نیز مورد بررسی قرار ندهیم، نتوانسته‌ایم تحلیل جامعی از این جنگ ارائه دهیم. این جنگ علاوه بر اینکه پیامی برای

دیگر جنگنده‌های روسی بر فراز گرجستان پرواز نمی‌کنند؛ شهرها و تاسیسات زیر بنایی این کشور بمباران نمی‌شوند و صدای غرش تانک‌های روسی نیز در شهرهای گرجستان شنیده نمی‌شود. در همین حال رگبار مسلسل‌ها و انفجار خمپاره‌ها نیز به گوش نمی‌رسد و خبری از صف‌های دراز و طویل مردمی که خواهان رفتن به سوی مناطق امن باشند نیست. نظامیان روسیه جای خود را به نیروهای حافظ صلح روسی داده‌اند و مناطقی که همزمان با بازی‌های المپیک شاهد شدیدترین درگیری‌ها بعد از سقوط اتحاد جماهیر شوروی بودند، شاهد یک آرامش نسبی هستند. هر چند که شعله‌های جنگ در حال حاضر فروخوابیده، ولی سوالی که باید به آن پاسخ دهیم این است که آیا این درگیری و احتمال آغاز درگیری‌های جدیدی بین روسیه و اوکراین می‌تواند عاملی برای آغاز



فشار بر مسکو ندارد و این علی‌رغم "سرمایه‌گذاری‌های سیاسی" عظیم آمریکا در گرجستان است. این در حالی است که ساکاشویلی نیز از زمان رسیدن به قدرت در سال ۲۰۰۳ سعی کرد با حمایت غرب از تسلط روسیه بر جمهوری‌های شوروی سابق خارج شود و تسلط خود را بر دو منطقه آبخازیا و اوستیای جنوبی که هر کدام جداگانه استقلال خود را با حمایت مسکو از ابتدای دهه ۹۰ اعلام کردند، تحکیم کند. به باور کارشناسان در چنین شرایطی جهان با احیای مجدد کلیشه‌های جنگ سرد مواجه شده و این در حالی است که غرب همانند گذشته از اهرم‌های کافی برای مقابله با نفوذ روسیه برخوردار نیست، زیرا تسلط روسیه بر بازار انرژی اروپا باعث شده که اتحادیه اروپا نتواند به سبب ایجاد نوعی شکاف در برابر مسکو، موضع‌گیری قدرتمندی در برابر کاخ کرملین داشته باشد.

### بازگشت به پرده آهنین سودی ندارد

سرن کاخ کرملین هر چند در سال‌های اخیر به سبب افزایش قیمت نفت و گاز و وابستگی اتحادیه اروپا به منابع انرژی این کشور توانسته‌اند توان اقتصادی، سیاسی و نظامی خود را برای مقابله با غرب افزایش دهند، ولی خود کاملاً متوجه این موضوع هستند که بازگشت به گذشته و دوران جنگ سرد هیچ فایده‌ای برای آنها ندارد. در نتیجه ی همین باور است که «دیپمتری مدودف» رئیس‌جمهور روسیه خطاب به کشورهای غربی اعلام کرده است که تنش‌های موجود روسیه و گرجستان به معنی تمایل روسیه به بازگشت به پشت پرده آهنین و دوران جنگ سرد نیست و روسیه فقط خواستار این است که نظرات آن توسط جامعه بین‌الملل شنیده شود. چنین اظهاراتی از سوی رئیس‌جمهور و سایر مقامات روسیه در شرایطی صورت گرفته و می‌گیرد که به باور بسیاری از کارشناسان مسائل بین‌المللی در این جنگ سرد جدید روسیه ای نقش ایفا می‌کند که برای تعیین هویت، تثبیت جایگاه و تایید اعتبار خود در باشگاه قدرت های بزرگ بین‌المللی لاجرم باید هزینه پرداخت کند. به باور آنها مسکو تحت هیچ شرایطی نمی‌توانست و نباید از این بازی پا پس بگذارد؛ چرا که این موضوع با «هست و نیست» و «بود و نبود» قدرت این کشور در نظام هژمونیک بین‌المللی ارتباط مستقیم داشته و دارد. روسیه در این جنگ همان کاری را انجام داد که بدون هیچ تردیدی باید انجام می‌داد و گرنه هر نوع برخورد دیگری در این خصوص پایانی بر ادعای هژمونی منطقه‌ای و بازی بزرگ در باشگاه قدرت بین‌المللی توسط این کشور به حساب می‌آید.

منبع:

ریانووئیستی - هراتدربیسون رویترز

را حل نمی‌کند و ما را از تلاش برای پایان دادن به وضعیت موجود برحذر نمی‌دارد». این جملات بخشی از اظهارات ولادیمیر پوتین، نخست‌وزیر روسیه است که در حقیقت هدایت‌گر اصلی کاخ کرملین در این جنگ بود. اظهارات پوتین از آن جهت حایز اهمیت است که نگاهی به اظهارات جرج بوش و حملات لفظی مقامات وزارت خارجه آمریکا و روسیه نسبت به یکدیگر و موضع‌گیری‌های آنها، بسیاری از رسانه‌های بین‌المللی و حتی رسانه‌های روسی را بر آن داشت که این مناقشه را رویارویی مستقیم روسیه و آمریکا در منطقه آسیای میانه تلقی کنند (اظهارات لاوروف، وزیر خارجه روسیه در مورد اینکه آمریکا بین روسیه و گرجستان یکی را انتخاب کند گویای این واقعیت است). در همین خصوص «الکساندر رار» کارشناس آلمانی در زمینه روسیه می‌گوید: «روسیه وارد این جنگ شد تا غرب را به مبارزه دعوت کند ولی غرب در برابر این کشور ناتوان بود». او و سایر کارشناسان مسایل روسیه با اشاره به اینکه آمریکا و غرب با یک روسیه جدید مواجه شده‌اند، در تحلیل‌های خود اظهار می‌دارند که بحران اخیر نوعی نمایش قدرت روسیه در منطقه‌ای بود که برای روس‌ها بسیار حایز اهمیت است. این در حالی است که به باور آنها در آیین جدید سیاست خارجی روسیه نیز سیاست‌های استوارتر و قاطع‌تری برای تامین منافع روسیه در این منطقه پیش‌بینی شده است. در چنین شرایطی به نظر می‌رسد با توجه به وضعیتی که در قفقاز پیش آمده و در بحران اخیر گرجستان نیز مورد توجه بود، آمریکاییان باید از این پس نقش روس‌ها را جدی‌تر گرفته و به خواسته‌های آنها در مسایل جهانی بیشتر توجه کنند. در واقع پیروزی سریع روسیه نشان داد که غرب مانند گذشته اهرم‌هایی کافی برای اعمال

جنوبی به وقوع پیوست، کارشناسانی مثل فریدمان و بسیاری دیگران از تحلیل‌گران مسایل بین‌المللی، تهاجم نظامی روسیه به گرجستان را پاسخی در قبال گسترش مرزهای ناتو به شرق و استقرار سیستم سپر دفاع موشکی آمریکا در نزدیکی مرزهای این کشور قلمداد کردند. به باور آنها در واقع روسیه با ورود به این جنگ، غرب را به مبارزه دعوت کرد تا این پیام را مخابره کند که کرملین، ناتو و سپر دفاع موشکی آمریکا را در کنار مرزهای خود تحمل نمی‌کند. روسیه هر چند به سبب اشتباهات ساکاشویلی فرصت مخابره چنین پیغامی را برای غرب از طریق گرجستان به دست آورد، ولی جنگ در اوستیای جنوبی به معنای فرارسیدن زمان حقیقت برای لهستان نیز است؛ کشوری که با ورود خود به ناتو و اتحادیه اروپا و همچنین موافقت با استقرار سپر دفاع موشکی آمریکا در این کشور، سبب ایجاد حساسیت بیشتری نسبت به حوادث قفقاز شد. این اقدام روسیه هر چند هشدار می‌دهد که دیگر جمهوری‌های اقماری شوروی برای دوری کردن از ائتلاف نظامی با آمریکا بود، ولی در نگاهی دیگر، بازگرداندن زمان به روزهایی بود که مسکو تسلط بی‌چون و چرایی در سرزمین‌های نزدیک به خاک خود داشت. «سارا مندلسون» یکی از کارشناسان مرکز مطالعات استراتژیک و بین‌المللی در این خصوص می‌گوید: «اگر آمریکا و اروپا جلوی روسیه را نگیرند، به نظر من این خاتمه آنچه است که دوره پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی به شمار می‌رود».

از سوی دیگر بسیاری از کارشناسان سیاست خارجی اعتقاد دارند روسیه از آن جهت به دفاع از منطقه جدایی‌طلب اوستیای جنوبی در برابر تهاجم گرجستان پرداخت که آمریکا و اروپا در ماجرای به رسمیت شناختن استقلال کوزوو، روسیه را با خود دشمن کرده بودند. در چنین شرایطی باید گفت که بحران اوستیای جنوبی، بازتاب بخشی از اختلاف روسیه و آمریکا بر سر مسایل حایز اهمیت برای مسکو است و می‌تواند دموکراسی‌های طرفدار غرب را که آمریکا در منطقه آسیای میانه پرورش داده، به دردرس بیندازد. این موضوع از آن جهت حایز اهمیت است که اطمینان خاطری که آمریکا پس

از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و پایان جنگ سرد به بوریس یلتسین رئیس‌جمهوری وقت روسیه و ولادیمیر پوتین، جانشین یلتسین در زمینه علاقه نداشتن به گسترش دامنه ناتو به جمهوری‌های شوروی سابق داده بود، با رای موافق ناتو به عضویت سه کشور حوزه بالکان زایل شد و با گذشت زمان منجر به وقوع این جنگ گردید تا روس‌ها نیز بهانه‌ی لازم را برای دفاع از استقلال طلبی مناطقی نیز که غرب با آنها مخالف است، داشته باشند.

### جهان نگران بازگشت به دوران جنگ سرد

«برخی سیاستمداران غربی هنوز در فکر به راه انداختن جنگ سردند. این اقدامات واشنگتن، موضوعی



طرح از میلاد موسوی